

## دکترین "اول آمریکا" دونالد ترامپ، استراتژی تجدید نظرطلبانه فراحزبی

عبدالرحمان ولایتی<sup>۱</sup>

مسلم حقی<sup>۲</sup>

چکیده:

انتخابات پنجاه و هشتم ریاست جمهوری آمریکا نسبت به ادوار گذشته بسیار متفاوت رقم خورد به نحوی که ساختار سیستماتیک و منحصر به فرد انتخابات آمریکا را خدشه دار کرد و این امر بیشتر ریشه در مواضع و برخورد کاندیداها نسبت به هم و رویکردشان به بنیاد سیاست‌های کهن و قدیمی دولت آمریکا داشت. در واقع برخلاف پیش بینی‌ها و برآوردهای محافل رسانه‌ای و همچنین کلوب‌های معتبر نظر سنجی نتیجه‌ای که رقم خورد همه مردم جهان را در شوک فرو برد و دونالد جان ترامپ بیگانه با ساختار حزبی آمریکا چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا شد و بلافاصله بعد از انتخاب موحی از نگرانی همه جهان را فرا گرفت که همه اینها ریشه در مواضع متناقض و پارادوکسیال شخص ترامپ داشت که با مانفیست هیچکدام از احزاب سنتی و کلاسیک آمریکا تناسب نداشت و با وجود انتسابش به اردوگاه جمهوری خواهان بسیاری از بزرگان و رجال حزبی جمهوری خواه از وی روی برگرداندند. حتی کاندولیزا رایس از سران آکادمیک حزب جمهوری خواه در اظهار نظری جالب اعلام داشت "یکی به این احمق بگه دیگر بس است" نهایتاً با وجود همه شرایط حاکم حزبی بر علیه وی، توانست بر ساختار حزبی و سیستماتیک فائق بیاید و اکنون این سوال مطرح است که آیا دونالد جان ترامپ با اتخاذ استراتژی متفاوت "اول آمریکا" یک فرد متفاوت با اسلاف خود بوده و در واقع یک فرد فراحزبی با رویکرد دولت تجدیدنظر طلبانه خواهد بود؟ که در این مقاله با بررسی مواضع و رویکردهای انتخاباتی وی بررسی خواهد گردید

واژگان کلیدی: دونالد ترامپ، آمریکای سفید، تجدیدنظر طلب، انتخابات پنجاه و هشتم

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

rahman\_velayati@yahoo.com

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

m.haggi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۳۰

انتخابات پنجاه و هشتم ریاست جمهوری آمریکا در نهایت با پیروزی دونالد ترامپ بر مبنای اکثرال کالج در مرحله اول به پایان رسید و با توجه به سیستم عریض و طویل انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا رئیس جمهور منتخب در ماه ژانویه بطور رسمی برای مردم آمریکا و جامعه جهانی معرفی می‌شود و جامعه جهانی چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا را از ماه ژانویه ۲۰۱۷ با فردی از جنس یک سفیدپوست بور آمریکایی خواهد شناخت. در این میان مساله‌ای که برای همگان غریب و بعید بود انتخاب دور از ذهن دونالد ترامپ در جایگاه یک تاجر تمام عیار آمریکایی از ایالت شمالی نیویورک بود که تا هیجده ماه پیش هیچ سابقه‌ای در سیاست کلاسیک آمریکایی (جمهوریخواه-دموکرات) نداشت و با توجه به ثروت کلان و بی حد و حصرش که همه آن را از راه سرمایه‌گذاری در بازار مسکن بدست آورده است به نوعی نماد یک شخصیت وال استریتی محض هست و اینکه چطور در سیستم انتخابات درون حزبی توانست بر رقبای خود چیره گشته و بعنوان کاندیدای نهایی حزب انتخاب شود به خودی خود از شگفتی تمام برخوردار بود، تا جائیکه بسیاری از بزرگان و نخبگان حزبی جمهوریخواه با توجه به پیشینه عوام‌گرایانه دونالد ترامپ به نحوی از وی اعلام برائت کردند و حتی بعضی از آنها اعلام داشتند که با برگه سفید در انتخابات حاضر خواهند شد و البته حزب جمهوریخواه با وضعیت پیش آمده و حضور دونالد ترامپ بعنوان کاندیدای منتخب حزب خودشان را از پیش باخته می‌دانستند بطوریکه بیشتر رسانه‌ها و بنگاه‌های خبری همچون موسسات نظرسنجی معتبر از جمله گالوپ پیش‌بینی نموده بودند که هیلاری کلینتون از حزب دموکرات با اختلاف هر چند ناچیز برنده انتخابات خواهد بود و همه اینها در شرایطی بود که جامعه جهانی بالاخص کارشناسان امر نیز به این باور رسیده بودند و بیشتر هم شبکه‌های خبری بی بی سی و سی ان ان در القا این امر سهیم بودند. ولی در روز سه شنبه بزرگ همان هشتم نوامبر نتیجه با اختلاف فاحش در آرای اکثرال کالج کاملاً مغایر با همه پیش‌بینی‌ها بود که به نوعی در محافل خبری از این شگفتی بزرگ با بیان ژورنالی به شوک نوامبر یاد کردند و همه جهان را در یک سکوت متحیرانه فرو برد به خاطر اینکه در هیچ یک از محافل خبری و کارشناسی سیاسی فارغ از درون جامعه آمریکا پیروزی ترامپ را پیش‌بینی نکرده بودند و به جهت اینکه وی آشنایی زیادی با قواعد و ساختارهای سیاسی

بالاخص در حوزه روابط بین‌الملل نداشت و تعلق خاطر حزبی نیز تا آن زمان بطور مشخص در وی دیده نشده بود و احتمال قرار گرفتن وی در اردوی جمهوری خواهان نیز ریشه در عقاید سنتی وی و تعصب شدید بومی و جغرافیایی وی داشت و برای همین شعار اصلی خود را نیز "اول آمریکا" انتخاب نموده بود و که به نوعی حاکی از برداشتش بر افول قدرت آمریکا در سال‌های اخیر بود و معتقد بود که عظمت آمریکایی در جهان با چالش مواجه شده است و همه باید تلاش کنیم تا آن را احیا نماییم و به همین جهت نیز در مواضع‌اش تکیه بر قطبی نمودن فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به نفع جامعه آمریکایی داشت و در این راستا هیچ یک از شعارهای انتخاباتی‌اش شکل کلاسیک و ساختار حزبی نداشت و بیشتر رویکردی برخاسته از تعبیر عوامانه و شخصی داشت که متفاوت از اسلاف خود جلوه می‌نمود.

بطور شفاف مواضع انتخاباتی دونالد ترامپ در خط‌کشی و مرز بندی میان آمریکا و سایر نقاط جهان نمود پیدا کرده بود که در حوزه سیاست خارجی بطور برجسته مواضع تندش نسبت به دیوارکشی میان مکزیک و آمریکا، اخراج مهاجران بالاخص مسلمانان و تغییر در مفاد برجام (توافقنامه اتمی میان ایران و کشورهای ۵+۱) و همچنین موضع متناقض‌اش نسبت به روسیه و شخص پوتین که کاملاً متفاوت از سنت سیاست خارجی آمریکا در ارتباط با کشور روسیه بود و حتی دونالد ترامپ موضعی بسیار شگفت‌انگیز در ارتباط با متحدان استراتژیک آمریکا ابراز می‌داشت که نمونه آن به چالش کشیدن ماهیت ناتو و هزینه سرسام‌آوری که برای کشور آمریکا بدنبال داشته است و همچنین در این ارتباط کمک‌های مالی دولت به کشورهای شرق آسیا از جمله ژاپن و فیلیپین را نیز زیر سوال برده بود و از سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه بخصوص در قبال کشور پادشاهی عربستان نیز انتقاد کرده بود و خواستار به نوعی تجدید نظر در ارتباط با دولت پادشاهی عربستان می‌باشد و معتقد است که خسارات جبران‌ناپذیر جهان غرب مسیحی از جانب گروه‌های اسلام‌گرای افراطی ریشه در سیاست‌های ایدئولوژیک ریاض دارد که باید سرکوب گردد بالاخره در حالت کلی، اظهار نظرهای انتخاباتی دونالد ترامپ بعنوان کاندیدای منتخب حزب جمهوری خواه حتی در قالب ساختار سنتی مشخص و مدون جمهوری خواه نیز نمی‌باشد بلکه با چاشنی استدلال‌ات شخصی خود وی نیز آمیخته شده است و این شرایط در طول ساختار سیاسی دولت آمریکا به نوعی منحصر

به فرد می‌باشد که ریشه این مواضع بیشتر در شخصیت متعلق به طبقه عوام فکری خود ترامپ دارد.

در واقع با این اظهارات پارادوکسیکال دونالد ترامپ بیشتر از اینکه در قالب ساختارهای سیستماتیک آمریکا عمل نموده و خود را متعهد به بافت سیاسی آمریکا بداند بیشتر دغدغه هویت مخدوش آمریکایی در این سال‌های اخیر را دارد و معتقد است که سیاست‌های سیستمیک دولت آمریکا منجر به تنزل اعتبار شهروندان سفید آمریکایی شده است و وی در فکر احیای اعتبار از دست رفته با همه ابعاد آن است و در واقع وی با این مواضع بیشتر یک تجدیدنظر طلب تلقی می‌شود. برای همین اظهاراتش بیشتر در راستای احیای هویت سفید آمریکایی است و البته با همه این اوصاف دکترین "اول آمریکا" وی کاملاً مبهم است. اینکه آیا وی می‌خواهد از ماجراجویی دولت آمریکا در اقصاء نقاط جهان بکاهد و همه سیاست‌هایش را در خود آمریکا متمرکز کند و یا اینکه می‌خواهد با تمام قوا انرژی خود را بکار بندد تا عظمت جهان شمول آمریکایی را بدون هیچ چالشی احیا نماید.

اکنون پرسشی که در این مقاله مطرح است عبارت است از اینکه: آیا دکترین "اول آمریکا" دونالد ترامپ یک استراتژی نوین تجدید نظرطلبانه است که فراتر از قواعد مرسوم حزبی جامعه آمریکاست؟ یا یک آموزه انتخاباتی بوده و در قواعد حزب جمهوریخواه استحاله خواهد شد؟ فرضیه‌ای که بر این سوال در این مقاله مطرح هست و مورد بررسی قرار خواهد گرفت بر این محور استوار است که مواضع ترامپ در پروسه انتخابات علاوه بر متاثر بودن از حال و فضای تبلیغاتی ولی بطور کاملاً گویا و شفاف متفاوت‌تر از مواضع حزبی آمریکا بوده است. بدین صورت که همه مواضع وی به نحوی در راستای احیای هویت مخدوش جامعه سفید آمریکایی است که به جهت تعهدهای غیر ضروری دولت آمریکا و همچنین توسط جوامع انسانی غیر آمریکایی با نژاد و ریشه متفاوت تسخیر شده است و همه معضلات جامعه آمریکا ریشه در همین سیاست‌ها و تعهدات خشک و کهنه و قدیمی و منقضی دولت آمریکا دارد که توسط دو حزب ساختار سیاسی جامعه آمریکا بر دولت و ملت سفید آمریکا تحمیل شده است و وی فارغ از برنامه‌ها و سیاست‌هایی حزبی در فکر احیای آن است و از آن تحت عنوان "اول آمریکا" یاد می‌کند و اینکه در بسیاری از محافل علمی و سیاسی از دکترین وی تعبیری فاشیستی و یا امپریالیستی محض یاد می‌شود به نوعی بیشتر تفسیر به رای می‌باشد و یا اینکه دکترین وی را بی شباهت به رئالیسم تهاجمی مرشایمر می‌دانند بیشتر شبیه یک

سوءتفاهم هست چرا که مواضع وی در چارچوب تئوریک نمی‌گنجد و بیشتر از اینکه متأثر از سیاست خارجی بوده و معطوف به سیاست خارجی باشد ریشه در سیاست داخلی ست با این پندار که سیاست خارجی بدون برنامه و بی‌حد و حصر احزاب کلاسیک عوارض داخلی نابجایی به بار گذاشته است و در واقع مقاله فوق در پی اثبات آنست که دکترین "اول آمریکا" دونالد ترامپ بسان شخصیت منحصر به فرد وی انحصاری و متفاوت می‌باشد. هیچگونه شباهتی به تئوری‌های ساختاری دولت آمریکا من جمله رئالیسم تهاجمی میرشایمر ندارد در واقع همه دغدغه ترامپ احیای زندگی و رفاه و اعتبار سفید پوستان کارگر آمریکایی بعنوان صاحبان اصلی جامعه آمریکا می‌باشد و به نوعی دونالد ترامپ را یک تجدیدنظر طلب واقعی ساختار سیاسی آمریکا باید به شمار آورد. که در این مقاله الگوی تجدید نظرطلبانه وی با بررسی مواضع متفاوتش با ساختار کلاسیک احزاب آمریکایی (دموکرات- جمهوریخواه) بررسی خواهد گردید.

### تجدید نظر طلبی و دولت تجدید نظر طلب

هرگونه سیاست خارجی که بوسیله یک دولت به دنبال تغییر ارضی ایدئولوژیک یا توزیع قدرت موجود بین‌المللی به نفع خود باشد تجدید نظرطلبی نامیده می‌شود. یک سیاست تجدیدنظر طلبی اساسا و در ذات خود توسعه طلبانه و اکتسابی‌ست. بنابراین یک دولت به احتمال زیاد به دنبال یک چنین سیاستی خواهد بود اگر تصمیم گیرندگان از وضع موجود ناراضی باشند و بر این اعتقاد باشند که دولت توانایی دستیابی به اهداف خود را دارد. بطور معمول یک سیاست ریویژنیستی توسط یک دولت سیر نشده دنبال می‌شود که درصدد بهبود موقعیت بین‌المللی خود با انجام طرح‌های استراتژیک است. اگر چه این رویه سیاسی که تاکتیک‌های تهاجمی غیر جنگجویانه مختلف در دنبال نمودن اهداف خود استفاده می‌کند. ولی در نهایت یک دولت تجدیدنظر طلب ممکن است دست به اقدامات تجاوز کارانه زده و یا اعلام جنگ نماید آنهم در تلاش برای تغییر وضع موجود.

دولت‌های تجدیدنظرطلب دیپلماسی، معاهدات، حقوق بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان وسیله‌ای برای بدست آوردن مزایا و منافع در جنگ قدرت می‌بینند تا اینکه هدفشان از بین بردن درگیری‌ها و یا حل و فصل مسائل باشد برای مثال آلمان نازی قدرت و وضعیت ارضی موجود در دهه ۱۹۳۰ را با نقض معاهده ورسای و با انجام اقدامات متعددی

همچون دورویی، تهدید به جنگ، اعمال فشارهای سیاسی بر دولتهای ضعیف و برنده شدن در پیروزی‌های سیاسی مثل توافقنامه مونیخ در سال ۱۹۳۸ مورد تجدید نظر قرار داد وقتی که این تاکتیک‌ها خیلی موفقیت آمیز نشدند آدولف هیتلر کشور خود را وارد جنگی بر علیه وضعیت موجود کرد.<sup>۱</sup>

اصطلاح «تجدیدنظر طلبی» در سیاست دارای دو کاربرد عمده می‌باشد: تجدیدنظر طلبی در دکترین‌های سیاسی و تجدیدنظر طلبی مطرح در فعالیت گروه‌های سیاسی. منظور از تجدید نظر طلبی در دکترین‌های سیاسی بدین مفهوم است که یک کشور از دکترینی که به عنوان دکترین فعال، مبنا و چراغ راه فعالیت سیاسی آن نظام و کشور قرار داشته است، عدول نماید و دکترین جدیدی را اتخاذ نماید؛ به عنوان مثال آمریکا تا پیش از جنگ جهانی دوم، سیاستی در پیش گرفته بود که براساس دکترین مونروئه، موسوم به سیاست «انزوا طلبی» بود که به معنای دور شدن از هرگونه درگیری با کشورهای دیگر و پرهیز از ورود در مناقشات و بحران‌های بین‌المللی بود اما با ورود این کشور به جنگ جهانی دوم و به ویژه به دنبال حمله ژاپن به پرل هارپر، این کشور رسماً در سیاست انزوا طلبی گذشته خود تجدیدنظر کرد و سیاست‌های جدیدی مبنی بر فعال شدن در عرصه بین‌المللی و دخالت در مناقشات و بحران‌های بین‌المللی را در پیش گرفت که آثار آن تا به امروز جامعه جهانی را فرا گرفته است. (siasi.porsemani.ir)

ریویوژنیسم یا تجدیدنظر طلب‌ها از سوی دیگر نشان دهنده نارضایتی یک دولت با نظم بین‌المللی است به جای اقدام برای حفظ نظم بین‌المللی یک دولت تجدیدنظر طلب و یا یک دولت انقلابی هم از اراده قوی برای تغییر هنجارهای پذیرفته شده توسط ملل طرفدار وضع موجود خواهد داشت. دولت‌های تجدیدنظر طلب به دنبال تضعیف نظم تثبیت شده با هدف افزایش قدرت و پرستیژ خود در سیستم هستند. بسیاری از قدرت‌های ریویوژنیسم / انقلابی در جهان سوم قرار گرفته‌اند که در آن نفرت و بی‌خردی توانایی برهم زدن و نوسان در سیاست خارجی را دارد. خیلی‌ها اقدام ایالات متحده را در عمل به عنوان یک قدرت تجدیدنظر طلب آن هم بخاطر عدم اعمال محدودیت متهم کرده‌اند. با استفاده از نظم جهانی و این واقعیت که این کشور از قوانین مشابه و یکسان همانند دول دیگر پیروی نمی‌کند اگر چه ایالات متحده بدون کنترل بوده و گاهی مخالف با صدای جامعه بین‌المللی است این ابرقدرت هیچ

<sup>1</sup> - the international relation dictionary, jock plano, royolton

سابقه‌ای از حمله و یا نقض حقوق یک دولت را به منظور گسترش هدف ارزش‌های خود نداشته است. در نمونه افغانستان تهدید طالبان به وضع موجود فقط بهانه‌ای به ایالات متحده داد تا به شکلی احترام‌آمیز به آنجا تهاجم کند (Bennett, Collins, 2010)

دونالد ترامپ کیست؟

ترامپ در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۶ در بخش کوئینز در نیویورک به دنیا آمد. او فرزند چهارم از پنج فرزند مری آن و فرد ترامپ است که در سال ۱۹۲۶ ازدواج کردند. مادر ترامپ مهاجری اسکاتلندی بود که در جزیره لوئیس در ساحل غربی اسکاتلند متولد شده بود. پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری ترامپ مهاجرینی آلمانی آمریکایی بودند پدر بزرگ او فردریش درومپف رستوران‌داری موفق در دوره مهاجرت وسیع به کلواندیک بود که اسم خود را انگلیسی سازی کرده بود.

ترامپ در سال ۱۹۷۷ با مانکن اهل جمهوری چک ایوانا ترامپ در نیویورک ازدواج کرد این دو با هم سه فرزند دارند: دانالد جونیور، ایوانکا ترامپ و اریک، ایوانا در سال ۱۹۸۸ تابعیت آمریکا را در حالی که ترامپ در کنارش بود کسب کرد. این زوج در سال ۱۹۹۱ طلاق گرفتند. ترامپ در سال ۱۹۹۳ دو ماه پس از تولد دخترش به نام تیفانی با هنرپیشه‌ای به نام مارلا میپلز ازدواج کرد. آنها در سال ۱۹۹۹ طلاق گرفتند. ترامپ دو سال در دانشگاه فوردهام در برانکس تحصیل کرد و سپس به مدرسه وارتون دانشگاه پنسیلوانیا منتقل شد زیرا دارای یکی از تنها دانشکده‌های مطالعات املاک در دانشگاه‌های آمریکا بود او در سال ۱۹۶۸ با مدرک کارشناسی در اقتصاد فارغ التحصیل شد. ترامپ صاحب یک شرکت عظیم ساختمان سازی در امریکا است و چندین هتل بزرگ به او تعلق دارد. ثروت فراوان، چندین آسمان خراش، هتل و سازمان مختلف در کنار موفقیت تجاری، ترامپ را به ستاره‌ای مشهور تبدیل کرده است.

#### - برج ترامپ

برج ترامپ یک آسمان خراش با کاربردی مختلط ۵۸ طبقه در شماره ۷۲۵ خیابان پنجم منهتن در میدتاون نیویورک توسط ترامپ و شرکت اطمینان زندگی منصفانه ساخته شد و توسط اسکات معمار شرکت سوئیسی هیدن کانل طراحی شد. امروزه ترامپ تنها مالک آن است. خانه او پنت هاوس و همچنین دفاتر نظارت او در این برج قرار دارند. همچنین برج‌هایی که در باکو، آذربایجان و استانبول ترکیه به دست سازمان ترامپ ساخته شده نیز برج ترامپ نام

دارند. ترامپ جدا از کارهای سنتی‌اش در زمینه املاک، هتلداری و صنایع تفریحی نام برند ترامپ را، در دیگر صنایع و محصولات تثبیت کرده است. در بازاریابی نام ترامپ بر شمار زیادی از محصولات از جمله ترامپ فاینشال، فروش و اجاره مسکن، رستوران‌های ترامپ، عطر دونالد ترامپ، گلف ترامپ، مجله ترامپ، شکلات ترامپ، خانه ترامپ، تولیدات ترامپ، موسسه ترامپ، مدیریت مانکن ترامپ، علاوه بر این ترامپ برای ارائه یک ساعت دوره آموزشی ۱.۵ میلیون دلار دریافت می‌کند.

- جوایز و افتخارات ترامپ

دکترای افتخاری بیزنس دانشگاه لیبرتی در سال ۲۰۱۲، تالار شهرت دلبیو دلبیو ای کلاس ۲۰۱۲، ستاره در پیاده رو شهرت هالیوود، در سال ۲۰۱۵ جایزه آزادی را به خاطر کوشش مثبت در زمینه روابط اسرائیل- آمریکا دریافت کرد، کلید شهر دورال، فلوریدا ۲۰۱۵. (www.jadide.ir) در سال ۲۰۱۱ متخصصان مالی فوربز، ارزش برند ترامپ را ۲۰۰ میلیون دلار تخمین زدند. ترامپ این ارزیابی را قبول ندارد و معتقد است برنش ۳۰۰ میلیارد دلار می‌ارزد. بسیاری از توسعه دهندگان املاک از برند ترامپ برای بازاریابی پروژه‌های خود استفاده می‌کنند به همین دلیل ترامپ مالک بسیاری از پروژه‌هایی که به اسمش انجام می‌شود نیست. (برند: ۲۸)

- دونالد ترامپ رئیس جمهور شد

جمله‌ای ساده که جهان را تکان داد. انتخاب این تاجر بی تجربه در سیاست به عنوان رئیس جمهور آمریکا از آن پیچ‌های تند تاریخ است اعداد و تقدیر تاریخ هم از رقص در این پیچ تاریخی غافل نشده‌اند دو عدد فضای شبکه‌های مجازی را درنوردیده‌اند: "۹/۱۱ و ۱۱/۹" دو روز متفاوت در تاریخ آمریکا اولی به معنای حادثه یازده سپتامبر، روزی تلخ که هرگز فراموش نخواهد شد و دومی ۹ نوامبر روزیکه ترامپ رئیس جمهور شد. ورق زدن تاریخ این روز طنز تلخ تاریخ را آشکار خواهد کرد. ۹ نوامبر ۱۹۸۹ در تقویم تاریخ به روز فرو ریختن دیوار برلین معروف هست. روزی الهام بخش برای آزادی ۲۷ سال پیش ۹ نوامبر دیوار برلین سرآغاز پایان جنگ سرد به نفع اندیشه‌های مدنی و پیروزی دموکراسی امریکایی بر کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی بود. حالا کمتر از سه دهه بعد ۹ نوامبر ۲۰۱۶ روز رای



دادن به فردیست که شعار اصلی‌اش بالا بردن دیواری به دور آمریکا، جلوگیری از مهاجرت، گسترش تنفر و نژادپرستی است. (نشریه الکترونیکی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۵: ۲۸)

دونالد ترامپ جمهوری‌خواه از شخصیت‌های بسیار جنجالی در کارزار انتخاباتی امسال و چهره اقتصادی شناخته شده‌ای است. او یک مرکانتیلیست و سوداگر اقتصادی تمام عیار است که برخلاف مرام اقتصادی حزب جمهوری‌خواه هوادار مداخله دولت در اقتصاد و بازرگانی و اعمال سیاست‌های حمایت‌گرانه است. این بازرگان نیویورکی با دارایی ۴/۵ تا ۱۰ میلیارد دلاری که تاکنون بیشتر هزینه‌های انتخاباتی‌اش را خود پرداخته است. پس از پیروزی در ایالت ایندیانا و کنار رفتن رقیبان حزبی‌اش گفت که از این پس از دارایی شخصی خود هزینه نخواهد کرد و هوادارانش باید هزینه‌های انتخاباتی او را بپردازند. او گرچه برخلاف هیلاری کلینتون تاکنون شغل دولتی نداشته است ولی با داشتن کارنامه درخشان در زمینه بازرگانی و توانایی در ثروت اندوزی بعنوان یک بازرگان بسیار موفق شناخته شده است. نزدیک به ۳۴۰۰۰ تن در شرکت‌های زیر مالکیت و مدیریت او کار می‌کنند شرکت‌هایی که در سال گذشته درآمدی نزدیک به ۹/۵ میلیارد دلار داشته‌اند. ترامپ در مبارزات انتخاباتی می‌کوشد کارنامه شخصی خود را الگویی کارآمد برای اقتصاد آمریکا معرفی کند. (رضایی، ۱۳۹۵: ۱۲)

ترامپ گرچه سیاستمدار کاملاً تازه کار و ناشناخته‌ای است اما هوش و اراده سرشاری از خود نشان داده و تاجر بسیار موفقی هم بوده است آن هم در نیویورک متروپلی که به سادگی نمی‌توان در آنجا ثروت‌های کلان اندوخته کرد. برای پی بردن به سیاست‌های او باید صبر و انتظار پیشه نمود، پیرامون رفتارها و مواضع او عمیقاً پژوهش کرد و در اتخاذ مواضع بس خویشتن‌داری و تامل نشان داد او خود را در مقابل دوست و دشمن به یک اندازه ناشناخته و غیر قابل محاسبه نگه داشته است. هنری کیسینجر اخیراً در مصاحبه‌ای گفته که «این برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم است که دور نمای مناسبات سیاست خارجی آمریکا برای دنیای خارج چنین کاملاً مبهم و ناشناخته مانده است و دنیا ظرف ۹ ماه آینده بعد از انتخاب ترامپ گرفتار نوعی "جنون پژوهشی" پیرامون سیاستها و اهداف این شخص خواهد شد». شعار انزواگرایانه "اول آمریکا" و عوارض نژادپرستانه خارجی ستیزانه، اسلام هراسانه، ضدیت با سیستم سیاسی مستقر و ضد رسانه‌ای حاصل از آنکه ترامپ منادی آن شد مبانی اومانستی آزادی‌خواهی، دموکراسی‌طلبی، و حقوق بشری غرب و آمریکا را به چالش کشید. اعتبار و حیثیت آن را مخدوش کرد و در یک کلام ایالات متحده را تا حد زیادی در این

عرصه‌های راهبردی خلع سلاح نمود. (نشریه الکترونیکی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۵: ۱۲) دونالد جان ترامپ که کمترین وجاهت سیاسی، کمترین وابستگی به اصول محافظه کاری و بیشترین ناهمخوانی را با سلسله مراتب حزبی دارد پرچمدار حزبی گشته است که نماد محافظه کاری در آمریکاست. (دهشمار، ۱۳۹۵: ۴)

با روی کار آمدن باراک اوباما این باور پدید آمد که دوران تازه‌ای آغاز گشته و راهکارهای متفاوتی برای از میان بردن معضلات در پیش گرفته خواهد شد و نتایج مطلوبی برای جامعه بویژه لایه‌ها و گروه‌هایی که از نظر تاریخی از کمترین مزیت‌ها بهره مند بوده‌اند به بار خواهد آمد. "اضطراب اقتصادی" و "جهانی شدن" بعنوان دو پدیده همزمان نقشی تعیین کننده در پیدایش این باور داشتند. اما این واقعیت که دونالد ترامپ میلیاردر نیویورکی بر ۱۶ رقیب جمهوری خواه خود چیره و نامزد حزبی می‌شود که برای بیش از سه دهه در نیویورک پیروزی انتخاباتی در زمینه ریاست جمهوری نداشته نشان از این دارد که حزب جمهوریخواه که نمادهای تعریف کننده آن آبراهام لینکلن و رونالد ریگان بوده‌اند با طغیان گسترده بدنه اصلی هواداران خود روبه‌رو شده است. (همان: ۹)

امروزه سه بحران کلی جامعه آمریکا را فرا گرفته است گسترده تر شدن گسل نژادی، پایین آمدن سطح زندگی بویژه در میان کارگران یقه آبی در ایالت‌های معروف به "کمربند زنگ زده" در شمال غرب کشور و افزایش درگیری آمریکا در بحران‌های رو به گسترش در جهان بویژه در خاورمیانه، به همین دلیل است که ترامپ در سخنرانی‌های خود بر "ناسیونالیسم اقتصادی" و "سیاست خارجی استوار بر منافع ملی" تاکید می‌کند و از صیانت شهروندان رفاه آنان و صلح دم میزند. (همان: ۱۰)

- حامیان ترامپ

ترامپ و حزب جمهوری خواه ریاست جمهوری را مدیون میلیون‌ها سفیدپوستی هستند که بطور گسترده در چندین سال گذشته به دموکرات‌ها رای داده بودند. معنی و مفهوم آن برای آینده حزب جمهوری خواه بسیار مهم و حیاتی‌ست. توجه ترامپ به سفیدپوستان دموکرات غیردانشگاهی و همچنین به مستقل‌ها حتی با یک نگاه گذرا به نقشه انتخابات بسیار روشن است. این رای دهندگان کارگزاران هستند نه کارفرمایان و آنها سیاست‌های شرکت محور با چشمانی زرد (احتیاطی) نگاه می‌کنند. آنها هویت ملی را خیلی جدی می‌گیرند و آمریکایی

بودن را بیش و فراتر از رای دادن و پرداخت مالیات می‌دانند. آنها رسوخ آمریکایی را در یک معامله صنفی می‌بینند که بصورت لیبرالیسم یا آزادی‌خواهی بین‌المللی خود را نشان می‌دهد. برای آنها این بدین معنی است که اگر شما سخت کار کنید و قواعد بازی را رعایت کنید افرادی که کشور را اداره می‌کنند مدیون شما خواهند بود تا اینکه شما با عزت و احترام زندگی کنید. کاملاً روشن است که این رای دهندگان در طول هشت سال اخیر محرز شده که دموکرات‌ها مدتی است که با احترام با آنها رفتار نمی‌کنند و یا به این باور رسیده‌اند که قادر به زندگی با وقار و عزتمندانه نیستند. آنها زندگی و مسیر را در معرض حمله و هجمه می‌بینند چه در قالب حمله به مالکیت اسلحه چه در تمرکز تغییرات آب و هوایی بخاطر رشد و توسعه و چه با ادعاهای ضمنی و آشکار در اینکه به آنها افراد متعصبی هستند. برای جمهوری خواهان بسیار سهل و آسان خواهد بود که با این رای دهندگان با توجه به سیاست‌های غیراقتصادی با احترام برخورد نمایند. بیشتر جمهوری خواهان احترام به این رای دهندگان را بخاطر ارزش‌های سنتی آمریکایی انجام می‌دهند و از جهان‌گرایی جانبی افراطی دوری می‌کنند که بطور فزاینده تعریف کننده خط‌مشی حزب و ملت دموکراتیک است. برای این رای دهندگان فقدان یک اساس و پایه محکم در سیاست‌های اجتماعی دونالد ترامپ به عنوان یک جمهوری خواه سنتی به عنوان یک نقطه مثبت است چرا که آن به آنها نشان می‌دهد که پیشبرد در کارهای اجتماعی مسیحیت جزو اولویت‌های اول و ضروری او نخواهد بود. (olsen,21:2016)

نسل قدیمی‌تر به ویژه مردان از آنچه به عنوان حمله به تمدن شناخته می‌شود دچار آسیب‌های روانی شدیدی شده‌اند رشد اقتصادی ارزشی گرانقدر برای آنها بود که با از دست رفتنش احساس از دست رفتن تمدن خود را دارند. این افراد شروع به پشتیبانی از احزاب و نامزدهایی کرده‌اند که معتقدند بالاتر و بهتر از بقیه تغییرات فرهنگی و اجتماعی را کنترل کرده و گذشته باشکوه را باز خواهند کرد. این امر در اروپا به معنی ظهور احزاب تازه است و در آمریکا بازگشت به جمهوری خواهانی که از شعارهای فرهنگی و اقتصادی پایه‌ای استفاده می‌کنند. (Zakaria,2016) گرچه ترامپ سیاست نگاه به داخل و مهار فرآیند جهانی شدن (اقتصادی) و آثار منفی آن بر طبقات کارگر و متوسط جامعه آمریکا را به مهمترین شعار انتخاباتی خود تبدیل کرد اما خوب می‌داند که جهانی شدن فقط اقتصادی نیست و او نمی‌تواند مرزهای آمریکا

را بر آثار فرامرزی شدن تکنولوژی، اکولوژی و موضوعات سایبری، فرهنگی، اجتماعی، تروریسم، مهاجرت و غیره ببندد. (نشریه الکترونیکی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۵: ۱۳)

ترامپ بخشی از خیزش گسترده پوپولیسم است که در جهان غرب به پا شده است. این خیزش را می‌توان در کشورهای مختلف و در شرایط متفاوتی احساس کرد از سوئد مرفه تا یونان بحران‌زده در بیشتر جاها پوپولیسم یک جنبش مخالف باقی مانده است. (Zakaria, 2016)

## ترامپ و آمریکای سفید

متن سخنرانی ترامپ در کنوانسیون بر سر همین چارچوب نگارش یافته بود که در آغوش کشیدن فرایند جهانی شدن از سوی نخبگان حاکم بن‌مایه بحران‌های کنونی است و تنها راه تحقق یافتن آینده‌ای بهتر، همانا پیاده شدن شعار "اول آمریکا" و به سخن دیگر آمریکاگرایی است تفسیر دونالد ترامپ از اوضاع جامعه و چشم اندازی که برای شهروندان ترسیم کرد پیمودن مسیر ناهموار نیویورک تا کیولند را در برابر چشمان حیرت زده بسیاری کسان برای او میسر ساخت. (دهشمار، ۱۳۹۵: ۱۱)

ترامپ در آوریل ۲۰۱۶ در وال استریت ژورنال نوشت "تنها پادزهر برای پایان دادن به دهه-ها حکومت ویرانگر توسط یک مشت از نخبگان، تزریق جسارت به مردم است، مردم حق دارند و حکومت نخبگان در اشتباه است". (zakaria, 2016) پدیده ترامپ هیچ ارتباطی با سیاست یا ایدئولوژی ندارد و حتی به حزب جمهوری‌خواه نیز مربوط نمی‌شود ترامپ حزبی را که در آن پرورش پیدا کرده پشت سر گذاشته است. حزب جمهوری‌خواه از سوی حامیان ترامپ با شک و تردید نگریسته می‌شود وفاداری آنها فقط به ترامپ است و نه حزب او. (اقتصاد ایران، ۱۳۹۵: ۴۳) برخی از رای دهندگان ترامپ ادعا دارند که حسی مشترک آنها را به حرکت واداشته است این حس از میان پیام‌های او مانند "رفاه و کاهش بدهی" و "اصلاح قوی مهاجرت" بیرون می‌آید. آنچه طرفداران ترامپ واقعا به آن رای دادند مثل بله گفتن یک شاگرد به رئیس‌اش است یک فرد اقتدارگرای قاطع که بدون هیچ فکری هرکسی را از کشور اخراج یا دیپورت خواهد کرد. برای رای دهندگان ترامپ سرود متکبرانه وین را دوباره سر میدهد "اگر همه چیز سیاه و سفید نیست، من می‌گویم چرا جهنمی نیست؟" رای دهندگان به زمانی برگشتند که مردان سفید کابوهای فاتیح بودند. (Khrushcheva, 2016) حمایت مردم از ترامپ در رکود اقتصادی ریشه دارد اما چیزی که ترامپ به هوادارانش عرضه می‌کند راه حل‌های اقتصادی نیست آنچه او وعده

می‌دهد یک دیدگاه است جلوه‌ای از قدرت محض، یک بی‌قیدی مغرورانه نسبت به ظرافت‌های فرهنگ دموکراتیک سخنان متناقض او یک وجه اشتراک دارند. ترامپ احساس ناخرسندی و سرخوردگی مردم را همراه با ترس تنفر و خشم تحریک کرده و با آنها بازی می‌کند سخنرانی‌های عمومی او شامل حمله یا تحقیر طیف وسیعی از "دیگران" می‌شوند اعم از مسلمانان، اسپانیایی تبارها، زنان، چینی‌ها، مکزیکی‌ها، اعراب و مهاجران که آنها را به عنوان تهدید یا به عنوان مایه تمسخر توصیف می‌کند. برنامه او به طور خلاصه شامل وعده‌هایی برای قاطعیت در برابر خارجی‌ها و ملت‌های غیر سفید پوست است. این پدیده در سایر کشورهای دموکراتیک و نیمه دموکراتیک نیز طی یک قرن گذشته دیده شده است که عموماً نام "فاشیزم" به آن داده‌اند. جنبش‌های فاشیستی نه ایدئولوژی منسجمی دارند و نه مجموعه دستورالعمل‌هایی برای جامعه بیمار، فاشیزم‌های موفق به سیاست‌ها مربوط نیستند بلکه به رهبران قوی مربوط می‌شوند که بتوان سرنوشت ملت را به آنها سپرد. مشکل هرچه باشد رهبر می‌تواند آن را حل کند و نیازی به توضیح دادن هم ندارد. آن نوع محافظه‌کاری که حزب جمهوری‌خواه پرچمدارش بود با آمدن کاندیدایی که توانسته رای دهندگان را بدون وابستگی به حامیان مالی و کارشناسان حزبی پشت سر خود بسیج کند به پایان راه رسیده است. انتخابات امسال نشانه‌ای است از تغییر بنیادی و پایدار در صحنه سیاست‌ورزی آمریکا و تا دهه ۲۰۲۰ یا ۲۰۳۰ شالوده حزبی بطور اساسی تغییر خواهد کرد. (اقتصاد ایران، ۱۳۹۵: ۴۳) این رای دهندگان یعنی طبقه کارگر احساس خوش بینی اقتصادی خود را از دست داده‌اند و در عین حال هنوز ارزش‌های خود را تحسین می‌کنند و مایل هستند که آنها را حفظ کنند و در جایی که هستند باقی بمانند و ترامپ به زبان این طبقه صحبت می‌کند اما طرح‌هایی که او ارائه می‌دهد به نظر نمی‌رسد برای تغییری اساسی در ساختار قدرت باشد. انقلاب ترامپ همچنان که تاکنون آن را ارائه داده از نظر بسیار از خواسته‌های حامیان او یعنی افزایش قدرت اقتصادی کارگران، دور است. (Shiller, 2016)

ترامپ و مساله هسته‌ای ایران

ترامپ به صراحت اعلام کرده است که توافق هسته‌ای با ایران بدترین معامله در تاریخ سیاست خارجی آمریکا است. او برخلاف دیگر نامزد جمهوری‌خواهان، تدرکوز نگفته است که توافق هسته‌ای را در روز اول ریاست جمهوری خود پاره می‌کند بلکه بر انجام دوباره مذاکره بر سر

شرایط بهتر اصرار می‌ورزد. ممکن است ترامپ بتواند از اجرای برجام دوری کند اما هرگز نمی‌تواند روسیه، چین و فرانسه را متقاعد به همکاری در اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران سازد. حداکثر کاری که او می‌تواند انجام دهد اعمال مجدد تحریم‌های آمریکایی است که به ضرر شرکت‌های آمریکایی و به نفع رقبای اروپایی و آسیایی آنها انجام می‌شود. ترامپ ادعا کرده است که ایران در حال مسلط شدن بر خاورمیانه است اما درباره این که چه کاری در برابر آن انجام خواهد داد سکوت کرده است. (اقتصاد ایران، ۱۳۹۵: ۵۸) دلایلی وجود دارد که ترامپ علاقه‌ای به وخیم‌تر کردن روابط ایالات متحده با ایران نداشته باشد و ممکن است به دنبال دشمنی با تهران یا چالش توافق هسته‌ای نباشد. با توجه به عملکرد او در مناظره-ها در اصل سازماندهی دیدگاه جهانی ترامپ رویارویی با روسیه وجود دارد و در بعد منطقه‌ای اصل دیدگاه ترامپ این است که هرکسی که با داعش مبارزه می‌کند خوب است و هر کس مبارزه نمی‌کند بد است. با دنبال کردن این منطق ترامپ اذعان دارد که تهران در به زانو در آوردن سازمان افراطی داعش مصمم است. ترامپ در طول مناظره‌ها گفت: "من اسد را دوست ندارم اما اسد داعش را می‌کشد، روسیه داعش را می‌کشد، ایران داعش را می‌کشد"، قابل توجه است که او به عربستان سعودی یا ایالات متحده یا سایر متحدان سنتی در خاورمیانه اشاره نمی‌کند. اگر اولویت او در منطقه شکست دادن داعش باشد او فقط به همکاری با روسیه و ایران احتیاج ندارد بلکه نیاز دارد تا توافق و معامله با ایران را نیز حفظ کند. (Parsi, 2016)

ترامپ علیه جمهوری خواهان

ترامپ از سیاست خارجی سنتی جمهوری خواهان و جنگ طلبی جرج بوش در عراق و هیلاری کلینتون در لیبی انتقاد کرد و گفت که این سرمایه‌ها می‌بایست برای نیازهای داخلی کشور خرج می‌شدند. برای هژمونی و کنترل لجستیک جهانی آمریکا ۷۵۰ پایگاه نظامی علنی در نقاط مختلف دنیا وجود دارد پایگاه‌های بیشتری هم موجود است که غیر علنی هستند. به عنوان یک ناسیونالیست راست ترامپ از هزینه برای پیمان ناتو انتقاد کرده است این نکته خون عقاب‌های جمهوری خواه را به جوش آورده است چرا که پیمان ناتو اکنون چماقی است برای امپریالیسم و هژمونی و آنها نمی‌توانند باور کنند که سیاست‌مداری رسمی بخواهد به مناسبات ناتو تبصره بدهد از این جهت بعضی از نئومحافظه کاران علیه ترامپ موضع گرفته‌اند. (مرجامی، ۱۳۹۵: ۱۴۴)

- مصاحبه دیوید سنجر با ترامپ در نیویورک تایمز

دکترین "اول آمریکا" دونالد ترامپ، استراتژی تجدید نظر طلبانه...

دیوید سنجر: در گفتگویی که چند ماه پیش داشتیم شما از کنار کشیدن از تعهداتی گفتید که آمریکا دیگر امکان پرداخت هزینه‌های آنها را ندارد مگر اینکه طرف‌های دیگر این تعهد را بپردازند؟

ترامپ: این در صورتی است که کشورهای دیگری که ما از آنها حفاظت می‌کنیم هزینه‌های بسیار هنگفت نظامی ما را بپردازند در بسیاری از موارد کشورهایی که از آنها صحبت می‌کنیم بسیار ثروتمند هستند اگر بتوانیم با آنها توافقی در این زمینه کنیم من آماده‌ام که در پاسخ به آن دسته از احمق‌ها که می‌گویند "ترامپ نمی‌خواهد از شما محافظت کند" و در پاسخ به آن کشورها بگویم "به شما تبریک می‌گویم شما خودتان از خود محافظت خواهید کرد"

سنجر: ما درباره اتحاد صحبت می‌کنیم و مشکل بنیادینی که بسیاری از جمهوری خواهان سنتی با این گفته شما دارند این است که، به نظر می‌رسد شما به باز پرداخت هزینه‌های نظامی بیشتر بها می‌دهید تا به نفعی که حضور نیروهای نظامی و دیپلماتیک ما در خارج از آمریکا دارند به عبارت دیگر حتی اگر آنها یک سنت هم به ما بپردازند شیوه رهبری پس از جنگ جهانی دوم ماست که به ما کمک کرد تا قدرتمان را در سراسر جهان گسترش دهیم.

ترامپ: این امر چگونه به ما کمک می‌کند؟ چگونه کمک کرده است؟ ما ۸۰۰ میلیارد دلار کسری تجاری در سراسر دنیا داریم پس چگونه این کار به ما کمک کرده است؟ من فقط می‌گویم که ما پول زیادی را خرج می‌کنیم و اگر شما درباره تجارت صحبت می‌کنید ما مقدار بسیار زیادی پول از دست داده‌ایم. براساس بسیاری از منابع رسمی در تجارت ۸۰۰ میلیارد دلار در سال از دست داده‌ایم. کشور ما الان صاحب ۱۹ تریلیون دلار است که بزودی به خاطر بودجه جامعی که تصویب شد که بی‌نظیر بود به ۲۱ تریلیون دلار می‌رسد. ما ثروتی برای انجام کارهایی که قبلا می‌کردیم نداریم. ما نیاز داریم که دیگران بسیار بیشتر از مقداری که الان به ما باز پرداخت می‌کنند بپردازند. الان تنها بخشی از هزینه‌هایی که ما می‌کنیم به ما پرداخته شود.

سنجر: آیا شما فکر می‌کنید که سلاح‌های ما بسیار بیشتر از آن چیزی است که برای دفاع از ایالات متحده به آن نیاز داریم؟

ترامپ: ما سلاح هسته‌ای زیادی داریم که حتی نمی‌دانیم کار می‌کنند یا نه. سلاح‌های هسته‌ای در جاهایی داریم که سیستم تلفن آن برای ۴۰ سال پیش است و تمام سیم‌ها زنگ زده‌اند و امکان ندارد بتوانیم از آنها برای تماس با ایستگاهی دیگر استفاده کنیم. لوله‌های پرتاپ آنها زنگ زده‌اند و حتی نمی‌دانیم که آیا امکان پرتاپ راکت از این لوله‌ها را داریم. بیشتر چیزهایی که ما داریم فرسوده و از رده خارج شده است به روسیه نگاه کنید که در حال ساخت زیر دریایی است. سنجر: آیا اکنون "آمریکا اول" برای شما معنای جدیدی گرفته است؟ با توجه به ریشه‌های تاریخی‌اش؟

ترامپ: برای من "آمریکا اول" مفهومی جدید و مدرن است که به هیچ وجه به گذشته ربط ندارد.

سنجر: پس این چیزی نیست که لیندنبرگ در سر داشت؟  
ترامپ: نه وقتی که من می‌گویم "آمریکا اول" مردم می‌گویند: صبر کن آیا این یک مفهوم تاریخی نیست؟ و من به آنها می‌گویم این "آمریکا اول" است نه "من با این عبارت آشنا بودم اما از این عبارت به دلیل پیشینه تاریخی‌اش استفاده نکردم.

هابرمن: این عبارت چه معنایی برای شما دارد؟

ترامپ: این معنا را می‌دهد که ما اول و قبل از هرکس دیگری در هر جای جهان به ایالات متحده اهمیت می‌دهیم و از این کشور محافظت می‌کنیم." (The ny Times, 2016)

## ترامپ متفاوت

با انتخاب ترامپ که یک نژادپرست سفید را به عنوان مشاور ارشد و استراتژیست خود انتخاب کرده است آمریکا می‌تواند از قلمرو اورول هم عبور کند. دوران ترامپ می‌تواند نئوفاشیسم جدیدی باشد او ممکن است آمریکایی را بسازد که برای مردم کمتر و کمتر کارگشا باشد. (Khrushcheva, 2016) ترامپ فاقد تفرعن لازم برای رویکردهای امپریالیستی است. در مقابل او در طول مبارزات انتخاباتی انتقاد از جنگ بی معنی آمریکا در خاورمیانه را نشانه رفت. حامیان ترامپ چیزی بیش از این که ایالات متحده نقش رهبری جهانی خود را رها کرده و از جهان عقب‌نشینی کند نمی‌خواهند. هیچکس نمی‌تواند مطمئن باشد که انتخاب ترامپ برای دموکراسی آمریکا به چه معنی خواهد بود یا او وقتی که دفتر کاخ سفید را به دست گرفت چه خواهد کرد.



اما می‌توانیم دو فرض معقول داشته باشیم اول دوران ریاست جمهوری او آثار بسیار مخربی در سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا خواهد داشت. ترامپ در حالی به کاخ سفید رسید که تقریباً تمامی قوانین نانوشته سیاست آمریکا را نقض کرد. او تنها هیلاری کلینتون را مغلوب نکرد بلکه اساساً حزب جمهوری‌خواه را نیز شکست داد. دلیل کمی وجود دارد که فکر کنیم از ۲۰ ژانویه او بطور ناگهانی این استراتژی پیروز خود را کنار خواهد گذاشت. (fischer,2016)

ترامپ از سال ۱۹۷۶ که بررسی داده‌های مالی کمپین‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا آغاز شده است کمتر از هر نامزد دیگری در این مرحله از انتخابات به پول سرمایه داران و ثروتمندان تکیه کرده است. او تنها ۲۵ درصد از منابع مالی کمپین انتخاباتی‌اش را از اهداکنندگان کمک‌های مالی بزرگ دریافت کرده است، از طرفی او تنها ۴ درصد از تمام کمک‌های مالی را در میان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آینده از آن خود کرده است. ترامپ افزون بر این از زمان رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰ اولین نامزد پیش‌تاز ریاست جمهوری در یک جناح خاص است که از نظر دریافت کمک‌های مالی در حزب خود در جایگاه نخست قرار ندارد. (کارآفرین، ۱۳۹۵: ۵۲)

### ترامپ غیرقابل پیش‌بینی

ترامپ وارد می‌شود با تظاهرات و داد و بیداد کردن‌ها و جملات ۱۴۰ کاراکتري با عنوان طرح-های سیاسی ستاره سابق تلویزیونی که بطور حتم می‌داند چگونه جماعت عصبانی را جذب کند و قابی برای بیان نارضایتی آنها پیدا کند. ترامپ که خودش شایعه کرده بود "تلویزیون ترامپ" را راه خواهند انداخت (در پی انتخاباتی که به نظر می‌رسد آن را از دست داده) پیروزی در این انتخابات را به رسانه‌های اجتماعی نسبت داد. (Khrushcheva,2016) در طول سال گذشته من از کارشناسان علوم سیاسی خواسته‌ام تا سیاست‌های خارجی احتمالی ترامپ را مورد ارزیابی قرار دهند و آنها بطور مداوم پاسخ مشابهی را به من داده‌اند؛ آنها قادر نیستند تا سخنانی‌های درهم و برهم آقای ترامپ را کوک نمایند و کاغذهای سفید را وارد جهان بینی منسجم کنند. به نظر می‌رسد که عدم وضوح در نظر سنجی از پیش‌بینی پیروزی هیلاری کلینتون رقیب ترامپ بسیار آکادمیک بوده است. و حال این مساله و مشکل مشترک در میان رهبران جهان است چه دوست چه دشمن که در سیاست خارجی خود برنامه‌های طولانی مدتی را در اطراف جهان بر حسب اعتماد به دولت ایالات متحده چیده بودند. در عوض کشورها باید خود را برای

جهان ناآشنا آماده کنند کسی که بعنوان قدرتمندترین کشور جهان و تضمین کننده جهان موضعش برای مدتی به آسانی قابل پیش‌بینی نخواهد بود حتی اگر آنها بر این باور باشند که نظم تحت رهبری ایالات متحده احتمالاً حفظ خواهد شد آنها انتخاب کمی خواهند داشت و چاره‌ای جز مراقبت از فروپاشی آن ندارند آنها دوست ندارند به دورانی برگردند که در آن اتحادها و قدرت‌های منطقه‌ای در حال تغییر بودند. (fisher,nov,2016) از آنجا که کشورهای خاورمیانه در تلاش و تکاپو هستند تا سیاست‌های ترامپ را در مورد ایران پیش‌بینی کرده و بر طبق آن برنامه‌ریزی نمایند و چون که به نظر می‌رسد او تاکنون احتمال برنده شدن بر رهبران اروپایی را غیر محتمل می‌بینند و در مبارزات انتخاباتی خود توهین‌هایی را نثار آنها کرده آقای کمبل می‌گوید که "آینده معامله با ایران هم اکنون در معرض بیشترین خطر قرار دارد" برخی از دولت‌ها به جای سازگاری با تهدیداتی که ایالات متحده از آنها محافظت می‌نماید گام‌هایی شدید و تندی را برای محافظت از خود و بدون کمک آمریکا مورد توجه قرار دهند.

دولت‌های کوچک با انتخاب‌های سخت‌تری روبرو خواهند شد " اگر شما در حوزه کشورهای بالتیک باشید برای شما ایده و نظری در اینکه آیا پوتین اگر اقدامی انجام دهد آمریکا تلافی خواهد کرد یا نه نداشته باشید این را آقای گولدگیر با اشاره به پیشنهادات آقای ترامپ گفته که او ممکن است پایبند تعهدات آمریکا برای دفاع از متحدان ناتو نباشد مثل استونی که مورد تجاوز روسیه قرار گرفت چنین اقدامات مشابه می‌تواند در آسیا هم اتفاق بیفتد در کشورهایی مثل فیلیپین و مالزی که به تعادل و توازن موجود ایالات متحده فشار وارد نموده و چین را نمایش می‌دهند اگر حمایت‌های آمریکا از اطمینان کمتری برخوردار باشد پس چین می‌تواند جذاب‌تر باشد.

آقای گولدگیر می‌گوید که غیر ممکن است که پیش‌بینی کنیم دقیقاً چه اتفاقی خواهد افتاد چرا که برنامه‌های آقای ترامپ خیلی ناشناخته هستند و چون که حدس زدن اینکه جهان چگونه با تغییرات شدید در نقش آمریکا برخورد خواهد کرد بسیار سخت است. بیشتر ما هم می‌دانیم که او با چه چیزی مخالف است هیچ نشانه و علامتی وجود ندارد که دونالد ترامپ بخواهد نوع سیاست خارجی را دنبال کند که ایالات متحده از جنگ جهانی دوم به دنبال آن بوده است او چه شکلی خواهد بود آقای گولدگیر اضافه می‌کند که " خیلی متفاوت خواهد بود". (FISHER,2016)

رئیس جمهور منتخب دونالد ترامپ آشکارترین سازنده و بازیگر روی صحنه رهبر بلامنازع حزب خودش می‌باشد. اما او همچنان یک تماشاگر خارجیت. چرا که جمهوری خواهانی که با او مخالف بودند در شب انتخابات همه چیز به او گفتند. تنش‌های زیاد در بحث انتقال در این قضیه تغییر کمتری داشتند اما همچنین ترامپی وجود دارد که بندرت و کمتر از ایده محافظه کارانه حمایت می‌کند مخصوصا زمانی که او به کوچک نمودن ابعاد و گستردگی دولت واکنش نشان می‌دهد "من قصد ندارم مثل دیگر جمهوری خواهان امنیت اجتماعی را پایین بیاورم من قصد ندارم مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌ای را کمتر کنم" آقای ترامپ به daily signal گفت که این تعهدی است که از آن بر نخواهد گشت اما تنها است و لنگ لنگان "رئیس جمهور منتخب ترامپ به نظر می‌رسد که بین دیدگاه‌های مختلف گرفتار شده است. نظرات او در مورد تجارت مقررات کسب و کار و سیاست خارجی خیلی شبیه به نظرات تافت می‌باشد. اما او در بسیاری از سیاست‌های داخلی شبیه آیزنهاور به نظر می‌رسد بعد از اینکه رئیس جمهور اواما با آقای ترامپ ملاقات کرد اواما به برخی از حمایت‌های اساسی از قانون مراقبت مقرون به صرفه اشاره‌ای نمود. برای افرادی که تحت شرایط حاد پزشکی و جوانانی که تحت سرپرستی پدر و مادر خود هستند آقای ترامپ اعلام کرد که او ممکن است در این خصوص موضع خود را تعدیل نماید. آقای ترامپ تاکنون در مورد ایجاد و ساختن یک حصار دیواری در طول بخش‌های مختلف مرز با مکزیک سخن گفته است و در حالی که او مصمم به اخراج مهاجران غیر قانونی بوده تاکید و اهمیت خود را بر روی کسانی که دارای سوابق جنایی هستند را کاهش داده‌است. (Tanenhaus,2016)

### ترامپ و اظهار نظرهای انتخاباتی

گروه‌هایی که آقای ترامپ آنها را تحقیر کرده، شامل زنان، اسپانیایی‌ها و سیاهان به او رای منفی داده‌اند. اما خیلی کمتر از حد انتظار سهم رای آفریقایی - آمریکایی و اسپانیایی تباران به آقای ترامپ در واقع خیلی بیشتر از رای آقای میت رامنی در سال ۲۰۱۲ بود. ترامپ در مورد مسائل فرهنگی مثل سقط جنین صحبت کرد اما نه با آن شدت و تندی که جمهوری خواهان گذشته برخورد می‌کردند در عوض توانایی او در به خشم آوردن و ناامیدی از شغل و تجارت و مهاجران غیر قانونی به نظر می‌رسد که جمهوری خواهان و رای دهندگان مستقل را به هیجان آورد. برای صرف نظر نمودن از آمریکای بزرگ که توسط آقای ترامپ اعلام گردید به عنوان چیزی

جز کد و علامتی برای برانگیختن تعصب و استثناء که منجر به باقی گذاشتن فرصت و ارتباط بوسیله برنامه‌های "معامله بزرگ" و "جامعه بزرگ" شد. برنامه‌هایی که توسط دموکرات‌ها ارایه شده بود مورد مخالفت طولانی مدت محافظه‌کاران بود. اما جمهوریخواهان برنامه‌دار مثل آیزنهاور به حفظ آنها کمک بسیار نمود و آنها را حفظ کرد. آقای ترامپ در اظهارات پیروزی خودش باید یک گریزی به ذهن خود بکند "مردان و زنان فراموش شده کشور من، دیگر فراموش نخواهند شد" او گفت و قول داد که او شهرهای کشور را آباد خواهد کرد و بزرگراه، پل، تونل، فرودگاه، مدرسه، بیمارستان خواهد ساخت و زیرساخت‌ها را بازسازی خواهد کرد و در هر حال میلیون‌ها نفر را برای بازسازی آن بکار خواهد گرفت. (Tanenhaus, 2016)

ترامپ همیشه در زندگی‌اش در آغوش سرمایه‌داری وحشی بوده و انتظار می‌رود در سیاست نیز همین شیوه را دنبال کند به اعتقاد او روابط بین‌المللی چیزی نیست جز اینکه قوی ضعیف را به بردگی بگیرد و تا زمانی که آمریکا قدرتمندترین کشور است پس می‌تواند به سود خود غنیمت جمع کند مثلاً به زور بر نفت خاورمیانه مسلط شود اظهارات و حتی کارهای او بازتاب نوعی خلط جهل سیاسی با خشونت ابتدایی است. این آمریکای بی‌رحم است نه آمریکای نرم و تلخ. تاثیر زلزله ترامپ نه فقط به دلیل اندیشه‌های سیاسی و مبانی فکری اجتماعی‌اش که برخاسته از اندیشه‌های نژادپرستانه او از جمله درباره سیاه پوستان و زنان است. بلکه به دلیل نقض مشروعیت آمریکا است. (قرنی، موسوی خلخالی: ۱۸)

### سیاست‌های پیشنهادی توسط آقای ترامپ کدام‌ها هستند؟

آقای ترامپ بارها تاکید کرده که یکسری ایده‌هایی دارد که آن باعث خواهد شد تا نقش آمریکا در سطح جهان کاهش یابد او گفته که اقدامات یک جانبه‌ای را انجام خواهد داد و از متحدان سنتی و دیرین دست کشیده و خود را به دشمنان نزدیک‌تر خواهد کرد. او در طول کمپین انتخاباتی خود گفته که تعهدات اتحاد امنیتی آمریکا را یا کاهش داده و یا احتمالاً حذف خواهد کرد که شامل ناتو و پیمان دفاعی با ژاپن و کره جنوبی است. او تهدید کرده که از سازمان تجارت جهانی خارج خواهد شد و موافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی را "بدترین معامله تجاری در تاریخ این کشور خوانده است" و گفته که توافقنامه بین‌المللی در خصوص مبارزه با تغییرات آب و هوایی را که سال گذشته در پاریس توافق شد را لغو خواهد نمود. آقای ترامپ این پیشنهاد را داده که کشورهای بسیاری باید به سلاح هسته‌ای و اتمی دست یابند تا از خودشان بدون

کمک واشنگتن محافظت کنند. او گفته که حمایت متحدانی همچون عربستان برای آمریکا هزینه در پی دارد. او ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه را تحسین کرده و گفته که ایالات متحده باید با او همکاری کند و با رئیس جمهور بشار اسد برای پیروزی در جنگ داخلی متحد گردد. اما آقای ترامپ تمایل به استفاده از زور را نشان داده و وعده داده است که شکل شکنجه غرق مصنوعی را احیا خواهد کرد. او از اعمال اقدامات اقتصادی تنبیهی برای چین حمایت کرده و تهدید نموده که تعرفه‌های بالایی را در نظر خواهد گرفت تا تجارت بین دو اقتصاد بزرگ جهان را فلج کند. (fisher,2016) بعنوان نمونه ناتو را منسوخ شده اعلام کرد و نشان داد که او تعهدات آمریکا به امنیت اروپا را کاهش خواهد داد او می‌تواند از توافق هسته‌ای با ایران عقب‌نشینی کند (هرچند مذاکره کنندگان اروپایی احتمالاً از هرگونه همراهی برای یک مذاکره و توافق جایگزین دیگر امتناع کند) تعهدات آمریکا در مورد تغییرات آب و هوا را نادیده گرفته و تعرفه‌هایی را برای چین و مکزیک اعمال کند. به نظر می‌رسد آقای ترامپ دنیا را پر از هرج و مرج و تهدید و نامهربان به اهداف سنتی آمریکا مثل ترویج دموکراسی و یا نهادهای بین‌المللی می‌بیند. در این دنیا ایالات متحده می‌بایست به دنبال منافع محدود خود بطور یکجانبه و با نیروی ناعذرخواهانه باشد. توماس ریت محقق موسسه بروکینز با یک مطالعه طولانی در خصوص دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ترامپ نوشت که او بطور مداوم اینها را به زبان می‌آورد "مخالفت با روابط متحدانه آمریکا، مخالفت با تجارت آزاد و حمایت از اقتدار" آقای ترامپ خواستار این است "اول آمریکا" و این می‌تواند یک گسست اساسی در نقشی باشد که واشنگتن در حفظ نظم جهانی بعد از اتمام جنگ جهانی دوم بازی کرده است. شاید با توجه به سال‌های گذشته آقای ترامپ در دنیای رقابتی و توسعه املاک خود در شهر نیویورک به نظر می‌رسد که او سیاست خارجی را به صورت یک سری از معاملات تصور کند که بصورت یک برنده و یک بازنده تقسیم شده است. آقای ترامپ بی‌تجربه بوده و یا طرح‌های روشن و واضحی ندارد و این امر پیش‌بینی اینکه او چگونه برخورد خواهد کرد را دشوار خواهد نمود. برای مثال پیشرفت عمده در برنامه هسته‌ای کره شمالی یا حمله سایبری توسط روسیه برخی از طرح‌های او هر چند بررسی‌شان بسیار ساده و آسان است. فراتر از همه پیش‌بینی تاثیر آقای ترامپ بر جهان بسیار دشوار خواهد بود همانطور که آقای شاپیرو در خط مشی خود نوشت "ماهیت سیاست خارجی ترامپ غیر قابل پیش‌بینی بودن آن است. (همان)

## ترامپ و سیاست‌های مالیاتی

سیاست‌های مالیاتی جمهوری خواهان همواره در راستای کاهش مالیات‌ها با هدف کاستن از حجم دولت بوده است. در این چارچوب برنامه مالیاتی ترامپ نیز بزرگتر کردن کیف پول شهروندی آمریکایی از راه کاستن مالیات‌هاست. تا شهروندان پول بیشتری با خود به خانه ببرند با این همه سیاست‌های اعلام شده از سوی جمهوری خواهان چندان با سیاست‌هایی که در بخش مالیاتی به اجرا گذاشته‌اند همخوان نبوده است. زیرا به علت درگیر شدن آمریکا در جنگ‌های گوناگون در دوران زمامداری جمهوری خواهان شهروندان آمریکایی همواره ناگزیر شده‌اند مبالغ بیشتری بابت تامین هزینه‌های جنگ پرداخت کنند چیزی که پیوسته مورد انتقاد دموکرات‌ها بوده است. (OLSEN,2016)

## ترامپ و بازرگانی خارجی

ترامپ یک ناسیونالیست اقتصادی و به سخن دیگر یک مرکانتیلیست تمام عیار است. از این رو طبیعی است که به افزایش همگرایی‌های اقتصادی و بازرگانی گرایش نداشته و برعکس، بیشتر در پی واگرایی بازرگانی باشد. مخالفت او با نفتا هم از همین دیدگاه مایه می‌گیرد در زمینه بازرگانی خارجی دیدگاه‌های او با دیگر جمهوری خواهان چندان همسو نیست. او افزایش همگرایی آمریکا با بلوک‌های اقتصادی و بازرگانی را باعث ضعف اقتصادی ایالات متحده و باز شدن هزینه‌های بیهوده و گزاف برگرده شهروندان آمریکایی می‌داند و به کاهش این هزینه‌ها بعنوان هزینه‌های ثبات هژمونیک نظر دارد. او برآنست که سیاست‌های اقتصادی همگرایانه و پیوستن به بلوک‌های بازرگانی همچون زهری کشنده برای کارگران آمریکایی است و به بیکار شدن آنان می‌انجامد. از همین رو گذشته از مخالفت با پیمان‌های بازرگانی رو به شکل‌گیری مانند TTP و TTPI نیز سخت مخالف است. ترامپ می‌گوید نفتا باعث شده یک میلیون فرصت شغلی در آمریکا از دست برود. مواضع اقتصادی ترامپ شرکای اروپایی و آسیایی آمریکا را نیز نگران کرده است. در راس این شرکای بازرگانی و اقتصادی، چین است که ترامپ تاکنون غیر دوستانه‌ترین رویکردها را در برابر آن از خود نشان داده و حتی عبارت "تجاوز بازرگانی به عنف" را در روابط چین با آمریکا بکار برده است. ترامپ بر آن است که آمریکا با میدان دادن بیش از اندازه به قدرت‌های اقتصادی نوپا، بازارهای جهانی بیشتری به آنها واگذار می‌کند. این

ایستار برآمده از نگاه مرکانتیلیستی وی به بازرگانی خارجی بعنوان بازی با نتیجه برد و باخت دانسته می شود. ترامپ به خوبی می داند که دلار بیش از اندازه توانمند در چنگ اقتصادی عامل بازندگی آمریکا و مایه اصلی غیررقابتی تر شدن تولیدات این کشور است. او برای پیروزی در جنگ پول ها بویژه با چین نیازمند ضعیف تر کردن دلار است. چیزی که توان خرید آمریکاییان را کاهش خواهد داد و ممکن است به ناخشنودی هواداران بی انجامد گذشته از آن وضع تعرفه های بازرگانی سنگین تر برای کالاهای چینی و مکزیکی به جنگ بازرگانی خواهد انجامید و آمریکاییان را از کالاهای ارزان آنها محروم خواهد کرد. (رضایی: ۱۷)

### ترامپ و ایجاد اشتغال

در زمینه اشتغال زایی ترامپ سوگند یاد کرده است رئیس جمهوری خواهد بود که بیشترین اشتغال را در تاریخ آمریکا ایجاد خواهد کرد. گفتنی است که ایجاد اشتغال پیوند مستقیم با افزایش رشد اقتصادی دارد و بی گمان هر رئیس جمهوری که بتواند رشد اقتصادی بالایی را برای کشور رقم زند سیاست های کار آفرینی موفق هم خواهد داشت. ترامپ وعده داده است که شغل های از دست رفته کارگران آمریکایی را از چین ژاپن، ویتنام و مکزیک پس خواهد گرفت. او بر این باور است که با اجرای بی کم و کاست سیاست مالیاتی پیشنهادیش آمریکا خواهد توانست به رشد اقتصادی شش درصدی دست یابد. ترامپ می گوید نرخ بیکاری در آمریکا با توجه به آشفته گی ها در بازار کار و سیاست های اقتصادی ۲۰ درصد است نه پنج درصد که دولت او با مدعی ست. شعارهای اقتصادی ترامپ تند و بیشتر ناهمخوان با هم یا بسیار بلندپروازانه است وعده او برای از میان بردن ۱۹ تریلیون دلار بدهی ملی در هشت سال غیرعلمی و غیر واقع بینانه دانسته شده است. نقطه ضعف ترامپ، مخالفت آشکار او با بین المللی تر شدن اقتصاد آمریکا و از جمله پیوستن آن کشور به پیمان های گوناگون بازرگانی و کشاندن آمریکا به سوی انزوا در زمینه های اقتصادی و بازرگانی ست. چنین می نماید که ترامپ در سنجش با هیلاری کلینتون شناخت کمتری از واقعیت های اقتصادی و بازرگانی جهان کنونی دارد و همچنان در رویای سال های طلایی اقتصادی آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی دوم است. همچنین اندیشه های ترامپ ممکن است جهان را با بن بست بازرگانی روبه رو سازد و گذشته از دامن زدن به آشفته گی های کنونی مایه بالا گرفتن ناسازگاری های سیاسی حتی میان شرکا و همپیمانان آمریکا شود. (همان: ۱۹)

سیاست خارجی رئیس جمهور ترامپ چه شکلی خواهد بود؟

در میان انبوهی از موضوعات مطرح بین‌المللی چند موضوع کلیدی در سیاست خارجی ترامپ حائز اهمیت اساسی خواهد بود؛ روابط با چین، روابط با روسیه و بحران در خاورمیانه، گرچه قدرت برتر نظامی آمریکا کماکان باقی می‌ماند ولی برای مدیریت همه این سه مؤلفه کفایت نخواهد کرد. حفظ موازنه قوا در اروپا و آسیای شرقی منبع اصلی تداوم هژمونی آمریکا و امری راهبردی برای این کشور محسوب می‌شود مهار چین یکی از بزرگترین چالش‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ را تشکیل خواهد داد. چین را فقط چین می‌تواند مهار کند و همسایگانش، قرن بیست و یکم قرن رقابت و موازنه قوا در آسیای شرقی خواهد بود. اولویت سیاست‌های داخلی آمریکا با امنیت و تمامیت ساختاری اروپا کمتر از گذشته همخوانی خواهد داشت آمریکا هزینه‌های بیشتری را از اروپا مطالبه خواهد کرد و مجموعاً بعد از ۱۹۴۱ اروپا احساس می‌کند که چون گذشته دیگر زیر چتر امنیتی آمریکا قرار ندارد و باید فکری به حال و روز نابسامان خود کند. انتخاب ترامپ سبب شد که اروپا از این لحاظ از خواب زمستانی بیدار شود و تنهایی‌اش را بیش از هر زمانی احساس کند. (بازرگانی گیلانی، ۱۳۹۵: ۱۲)

دونالد ترامپ در هنگام پیروزی خود در انتخابات ریاست جمهوری در روز سه شنبه اعلام نمود "اول آمریکا" و موفقیت این پیام بسیاری از پایتخت‌های کشورهای خارجی را به تکاپو انداخت و رهبران آنها این بیم و ترس را دارند که ترامپ پایه‌ها و اصول سیاست خارجی آمریکا را تغییر خواهد داد. پیش بینی در مورد سیاست خارجی آمریکا بخاطر بی‌تجربگی ترامپ بسیار سخت خواهد بود اما احتمالاً این موضوع مطرح است که بعنوان رئیس جمهور او بدنبال آن خواهد بود که آنچه را که در طول مبارزات انتخاباتی خود وعده داده انجام دهد یعنی شکستن روش‌های امروزی برخورد ایالات متحده با روسیه، خاورمیانه، اروپا و آسیا... یکی از سیاست‌های خارجی ترامپ براساس اظهاراتش، تمرکز "واقع‌گرایانه" بر منافع ملی آمریکا و دوری از هزینه‌های درگیری ایالات متحده در کشورهای خارجی خواهد بود. ترامپ بارها در مبارزه انتخاباتی خود بطور مکرر گفته که در برخی از هزینه‌های سیاسی خود با رئیس جمهور ولادیمیر پوتین همکاری خواهد کرد. ترامپ در مصاحبه تلویزیونی خود در ماه سپتامبر به میزبانی شبکه NBC و MATT HAVER گفته که "اگر او چیزهای بزرگی در مورد من بزند، من نیز در مورد او حرف‌های عالی خواهم زد... منظورم اینست که او آدمی است که کنترل شدیدی بر کشور خود دارد. (Ignatius, 2016) او در صدد تضعیف تعهدات دفاعی آمریکا از متحدان ناتو و



شرکای آسیایی خود همچون ژاپن و کره جنوبی است. اما او هرگز از سخنرانی خود در ۲۷ آوریل عقب نشینی نکرده است که گفته بود "ایالات متحده باید آماده شود تا به کشورهای دیگر اجازه دهد که از خودشان دفاع کنند حتی اگر به قیمت دستیابی آنها به سلاح اتمی باشد. اغلب بیان‌های افراطی ترامپ و تهدیدات او برای شرکای تجاری تاکتیکی‌ست در آنچه که او به بیان مشهور گفته یعنی "هنر معامله" چین که در حال حاضر یک حباب اقتصادی را تجربه می‌کند ممکن است در مقابل فشار اقتصادی آمریکا بسیار آسیب‌پذیر باشد اما احتمالاً نتیجه بیانات و اظهارات و شعارهای حمایتی ترامپ با توجه به بحث‌های بسیاری از تحلیلگران رکود اقتصادی جهان را در بر خواهد داشت. بسیاری از تحلیلگران بر این استدلال دارند که با اولویت دادن به منافع آمریکا بدین صورت او ممکن است بسیاری از متحدان آمریکا در اروپا و آسیا را تحت فشار قرار داده و باعث شود که آنها معاملات و مذاکرات خود را به طرف روسیه و چین تغییر مسیر دهند. (Ignatius, 2016) مخاطرات مهار خاورمیانه بسیار زیاد و هزینه‌آور است و نوعی حس گریز از مرکز در این منطقه در سیاست خارجی جدید آمریکا مشاهده می‌شود. تروریسم و جنگ در سوریه و عراق باعث بی‌ثباتی اروپا شده و آمریکا فقط تا سرحد آرام‌سازی منطقه با کمک سیاسی، امنیتی و مالی متحدانش در این راه تشریک مساعی خواهد کرد. آمریکا و غرب هم ضمن سعی در مهار و دفع آثار منفی این بحران به مرزهای خود ترجیح می‌دهند بیشتر نظاره‌گر بلکه آتش بیار معرکه باشند. از نظر غرب این منطقه پتانسیل و کیفیت لازم را برای تخلیه ظرفیت‌های اشباع‌شده بین‌المللی بیش از دیگر مناطق دیگر دنیا دارد و کاندید شماره یک در این زمینه است به گواه تاریخ این تخلیه‌ها معمولاً با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ برای غلبه بر رکود و بحران‌های ساختاری اقتصادی و مالی عملی می‌شود. از دیدگاه آمریکا و اروپا روسیه به لحاظ اقتصادی تک محصولی، جمعیت شناختی و فساد زدگی قدرتی در حال زوال است، اما زرادخانه‌های هسته‌ای‌اش می‌تواند آمریکا و اروپا را نابود کند. ممالک بزرگ در حال زوال هم می‌توانند دست به ریسک‌های بزرگ بزنند (این رکود در آمریکا هم صادق است. امپراطوری اتریش - مجارستان در دوران هابسبورگ‌ها قبل از ۱۹۱۴ نیز نمونه واضحی در این زمینه است). ترامپ با توجه به تنگناهای داخلی و خارجی مجموعاً سعی خواهد کرد برخلاف دوران اوباما روسیه را کاملاً منزوی نکند و با این کشور بر سر امنیت هسته‌ای، عدم اشاعه، مسائل منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم به تفاهم و نزدیکی برسد و با ولادیمیر پوتین پراگماتیست که کم‌گرفتاری هم ندارد دست به معاملات موردی و تاکتیکی بزند.

اشخاص کلیدی کابینه احتمالی ترامپ

افرادی که ترامپ انتخاب می‌کند نه تنها وظیفه مدیریت و اداره کلی بخش‌ها را برعهده خواهند داشت بلکه آنها به بهترین وجه نشان دهنده این خواهند بود که ترامپ چگونه قصد حکومت کردن دارد و او بدنبال کدامیک از موقعیت‌های بسیار زیاد سیاسی خواهد بود. گزینه‌های انتخابی که تاکنون اعلام شده‌اند:

**معاون رئیس جمهور:** مایک پنس، فرماندار ۵۷ ساله ایالت ایندیانا دارای سوابق طولانی در امور سیاسی ست و به گفته خود تحت تاثیر "دونالد ریگان" رئیس جمهور اسبق جمهوریخواه آمریکا به این حزب گرایش یافت. وی از نفوذ بالایی در میان افراد تاثیرگذار در حزب جمهوریخواه مانند "تد کروزر" و "پل رایان" رئیس کنونی مجلس نمایندگان برخوردار هست.

**دادستان کل:** جف سشنز، سناتور ایالات آلاباما است. جف سشنز از ماه مارس ریاست کمیته امنیت ملی ستاد انتخاباتی ترامپ را بر عهده داشته است. از سوابق وی می‌توان به تجارب او در دهه ۷۰ در ارتش آمریکا و عضویتش در کمیته نیروهای مسلح سنا نام برد. وی معتقد است باید برای مقابله با مهاجران با آنها به نبرد پرداخت. افکاری که ترامپ نیز آنها را در کارزار انتخاباتی‌اش به کرات تکرار کرده بود.

**مشاور امنیت ملی:** مایکل فلین، وی در جریان فعالیت‌های انتخاباتی ترامپ نقش برجسته‌ای را ایفا نمود. همچنین گفته می‌شود که رئیس جمهور از تحلیل‌های اطلاعاتی وی در فعالیت‌های انتخاباتی بهره بسیاری برده و او نیز متقابلاً قدرت اعمال نفوذ خوبی بر ترامپ دارد. (Andrew, 2016) فلین مشاور سرسخت و جنجالی کمپین انتخاباتی ترامپ بوده که به خاطر دیدگاه‌ها و رفتارهایش از سوی جریان اصلی جمهوری خواهان مورد انتقاد قرار گرفته است و می‌توان گفت که عقاید و دیدگاه‌های وی در تضاد آشکار با عقاید و نظرات اعضای حزب جمهوریخواه قرار دارد. (saunders, 2016)

**وزارت دفاع:** جیمز ماتیس، ژنرال باز نشسته نیروی دریایی به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی برای این کار عنوان شده است. ترامپ بعد از ملاقات با این ژنرال او را چشمگیر و تاثیرگذار خواند. **وزارت امور خارجه:** تردی نیست که در میان تمامی پست‌های مطرح وزارت امور خارجه به عنوان چهره عمومی سیاست خارجی آمریکا مهمترین پست دولت ترامپ بوده و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. وزیر امور خارجه بعدی آمریکا می‌تواند مسیر سیاست خارجی آمریکا را تحت

تاثیر قرار دهد. موضوعی که به نظر می‌رسد در دوران ریاست جمهوری ترامپ مورد بازنگری مجدد قرار خواهد گرفت. رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا رکس تیلسون ۶۴ ساله را به عنوان گزینه مورد نظرش برای پست وزارت خارجه آمریکا معرفی کرد.

به نقل از شبکه تلویزیونی اسکای نیوز، تیلسون رئیس و مدیر اجرایی شرکت نفت و گاز اکسون‌موبیل مستقر در تگزاس است. او از سال ۲۰۰۶ در سمت اجرایی اکسون‌موبیل انتخاب شده است و سابقه سیاسی و یا فعالیت دولتی ندارد. او تا به امروز رابطه بسیار نزدیکی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه داشته و همین باعث نگرانی برخی از سیاستمداران آمریکایی و نیز خوشحالی روس‌ها شده است. او در سال ۲۰۱۱ با روسیه درباره مشارکت در بخش انرژی وارد مذاکره شد و از همان زمان رابطه‌اش با سران روسیه نزدیکتر شد و کار تا جایی پیش رفت که تیلسون از روسیه نشان "دوستی" که عالی‌ترین نشان برای اتباع خارجی است، دریافت کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا با اشاره به مدیریت "فوق‌العاده" تیلسون گفته است که او "مهره‌های کلیدی" را به خوبی می‌شناسد. دونالد ترامپ گفت: «سرسختی، تجربیات فراوان و درک عمیق تیلسون از ژئوپولیتیک او را به گزینه‌ای فوق‌العاده برای وزارت خارجه آمریکا تبدیل می‌کند. او ثبات منطقه‌ای را ارتقا خواهد داد و روی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا متمرکز می‌شود. (ایسنا، ۲۳ آذر ۹۵)

نتیجه‌گیری:

برخلاف اظهارنظرهای پراکنده کارشناسان معتقد به ساختار سیستماتیک حزبی دولت آمریکا که همه مواضع دونالد ترامپ را ناشی از هیجان‌ات و جو مرسوم حاکم بر فضای انتخابات می‌دانند و باور دارند که رویکردهای ترامپ با وجود رویه به هنگام تصدی رسمی کرسی ریاست جمهوری دولت آمریکا و راهیابی به کاخ سفید رفتار متعادل‌تری در پیش خواهد گرفت و با وجود همه مواضع تند و تیزش در سیاست خارجی به جهت برخورداری از تم یک کاراكثر اقتصادی و نگرش تجاری به مسائل بطور مسلم رویکردش تعدیل خواهد گردید به جهت اینکه ساختار سیستم سیاسی آمریکا در وهله اول یک سیستم چند لایه و چند وجهی می‌باشد که به تنهایی متاثر از تصمیمات و روحیات شخص رئیس‌جمهور و کابینه وی نمی‌باشد. بلکه تصمیمات دولت آمریکا از دل یک ساختار منسجم بیرون می‌آید که رئیس‌جمهور فقط یکی از عناصر این ساختار است بنابراین ساختار و سیستم در دولت ایالات متحده آمریکا از همان سال‌های استقلال تثبیت

و نهادینه شده است و به همین راحتی و با ظهور یک فرد یا افرادی تحت تاثیر قرار نخواهد گرفت. با بررسی پیشینه زندگی اجتماعی دونالد ترامپ آن چیزی که خود را بیشتر نشان می‌دهد تجارت و کسب و کار و برج‌های وی می‌باشد که تمامی تمرکز او را در طول عمر بیش از نیم قرنش به خود اختصاص داده است و در این مدت حتی لحظاتی از زمان تجاری خود را نیز صرف سیاست و بدنه تشکیلاتی و حزبی سیستم ایالات متحده آمریکا نکرده است و این گذشته وی در واقع نشان دهنده اینست که وی تعلق خاطری به مسائل سیاسی و حکومتی نداشته است و آن چیزی که در زندگی برایش از اولویت برخوردار بوده است در اقتصاد و مباحث تجاری و مالی نهفته شده است و در این مقوله نیز از استعداد و پشتوانه ویژه‌ای برخوردار بوده است که در نهایت از وی یک تاجر کلاسیک و مشهور آمریکایی و جهانی ساخته است. در واقع شاید حتی بتوان اذعان داشت که ورود وی به سیاست و حکومت از روی هوس بورژوازی‌اش برخاسته است که خواسته این تیپ زیست بشری را نیز تجربه کرده باشد و در نهایت نیز با کمک و حمایت دلارها و درآمد برج‌هایش توانست استقلال خود را در پروسه انتخابات در همه ابعاد حفظ کرده و با این روش علاقمندی جامعه مردمی آمریکا را بسوی خود گسیل نماید و خود را در آخر کار راهی کاخ سفید کند. به جهت صبغه نامشخص و مجهول وی در ساختار حزبی و سیاسی کلاسیک آمریکا از همان ورود وی به کورس رقابت‌های ریاست جمهوری جسارت و ادعای وی را با هر حربه‌ای زیر سوال برده و به چالش کشاندند و البته هیچ امیدی هم به توفیق وی نداشتند و در این باور همه عناصر سیاسی و حکومتی ایالات متحده آمریکا هم رای و متفق‌القول بودند که به یکباره همگی و حتی بخش بزرگی از جامعه آمریکا و مردم جهان با اعلام نتیجه در شوک ناشی از پیروزی باور نکردنی ترامپ فرو رفتند. ولی در هر صورت با توجه به تطابق حقوقی پیروزی وی با نتیجه رقم خورده احزاب آمریکا بالاخص دموکرات‌ها چاره‌ای جز قبول نتیجه نداشتند و در همین راستا در همان دقایق اولیه هیلاری کلینتون پیروزی وی را تبریک گفت و حتی باراک اوباما نیز با وجود دلگیری از نتیجه، پیروزی ترامپ را پیروزی آمریکا خواند. با این دلایل و مواضع، احزاب و رسانه‌ها و رجال سیستم حکومتی آمریکا نسبت به شخص دونالد جان ترامپ مرکانتیلیست که از همان لحظات ثبت نام وی برای رقابت درون حزبی اتفاق افتاد و بعد از آن در ادامه کورس رقابت‌ها به شدت خود افزوده شد و در واقع دونالد ترامپ یک تنه به پشتوانه برج‌ها و دلارهای حاصل از آن در مقابل جبهه‌ای عظیم از ساختار و سیستم ایالات متحده قرار گرفت و توانست بر همه آن، اتحاد

تاکتیکی ساختار حکومتی آمریکا فائق آید و با نگاهی به مواضع و اظهارنظرهای ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی افتراق شخصیت انحصاری وی از دیگر روسای جمهور آمریکا به وضوح آشکار می‌شود و دلیل اصلی مخالفت جامعه حزبی و حکومتی آمریکا نیز ریشه در همان تم شخصیتی وی داشت. که هیچ تناسبی با ساختار کلاسیک حزبی برخاسته از تاریخ سیاسی ایالات متحده نداشت و به همین دلیل تمام عیار و با تمام قوا به مخالفت با وی برخاستند و هیچ تمایلی نداشتند حتی وی به مرحله پایانی رقابت راه یابد ولی اکنون باید بپذیرند که دونالد جان ترامپ نیویورکی تاجر، چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکاست و سیاست‌های وی بیشتر از اینکه با سیاست کلاسیک آمریکای هژمون تطابق داشته باشد یک سیاست شبیه به تجدیدنظر طلبی خواهد بود و وی بیشتر از آنکه رویای تسلط آمریکا بر اقصا نقاط جهان را داشته باشد به فکر تقویت و ترمیم زندگی کارگران سفید آمریکایی است که در طول این سال‌ها قربانی هزینه‌های گزاف دولت در خارج از مرزهای آمریکا شده بود و در واقع در همین راستا شعار "اول آمریکا" را سر می‌دهد و مقصودش این است که قبل از همه و اعمال سیاست خارجی چند هزار مایلی بیرون مرزهای آمریکا، خود آمریکا و مردمان سفیدش در اولویت هستند. رفاه و آسایش زندگی آمریکاییان سفید بالاخص طبقه کارگر روستایی‌نشین باید ترمیم یابد و بعد از آن باید به سیاست خارجی مسلط محورانه بر جهان فکر نمود این همه عصاره سیاست دونالد ترامپ است که متفاوت از اسلاف خود ظهور یافته است و در این راستا اعمال سیاست‌های ناهمگن جمعیتی دولت‌های گذشته را نیز در استحالته جامعه سفید آمریکایی در درون نژاد سیاه آفریقایی و سرخ اسپانیولی و مکزیکی و حتی زرد چینی مقصر قلمداد می‌کند و در ادامه به نفوذ جامعه مسلمانان آسیایی نیز اشاره می‌کند که در داخل آمریکا قارچ‌گونه در حال رشد هست و این روند را برای امنیت آمریکا یک خطر بالقوه محسوب می‌کند و در نهایت همه این عوامل را ریشه در غفلت دولت‌های پیشین حزبی آمریکا می‌داند که با تمرکز بیش از اندازه بر سیاست خارجی از میزان کیفیت زندگی جامعه سفید آمریکایی بعنوان صاحبان اصلی این سرزمین غفلت ورزیده‌اند و دکترین "اول آمریکا" بیش از همه تفاسیر و تعبیر ریشه در مباحث فوق دارد و برای همین در بسیاری از محافل سیاسی و حتی آکادمیک به نئوفاشیست سفید نیز یاد می‌شود. ولی وی یک انسان تجاری تمام عیار است که مایل‌ها با عقاید ایدئولوژیک فاصله دارد. برای ترامپ همه چیز رفاه اقتصادی‌ست.

## منابع فارسی:

### مقالات

- ۱- امیدی، علی(۱۳۹۵)، با زمامداری ۱۰ روز اول ترامپ چه باید کرد، نشریه الکترونیکی دیپلماسی ایرانی، شماره اول، صفحه ۱۱
- ۲- بازرگانی گیلانی، بهالدین(۱۳۹۵)، خروج سیاست خارجی ترامپ از شعار و هیجان، نسخه الکترونیکی دیپلماسی ایرانی، شماره اول، صفحه ۱۲
- ۳- دهشیار، حسین(۱۳۹۵)، کلینتون و ترامپ: دو سوی گسل انتخاباتی در آمریکا، سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۰۴، صفحه ۴
- ۴- رضایی، مهدی (۱۳۹۵)، دیدگاه‌های اقتصادی هیلاری کلینتون و ترامپ، سیاسی-اقتصادی، شماره ۳۰۴، صفحه ۱۲
- ۵- مرجانی، فرید (۱۳۹۵)، بهار سندرز و هیاهوی ترامپ، چشم انداز ایران، شماره ۹۸، صفحه ۱۴۴
- ۶- کارآفرین، خرداد و تیر (۱۳۹۵)، ترامپ کاندیدای فقر، شماره ۱۲۲، صفحه ۵۲
- ۷- کارآفرین، آبتن (۱۳۹۵)، اقتصاد با کدام ترامپ تنظیم می شود؟، شماره ۱۲۴، صفحه ۵۶

## منابع انگلیسی:

- 1- Andrew ,Restuccia,(11/17/2016),[www.politico.com /Donald Trump,s cabinet-in-waiting:What we know so far](http://www.politico.com/DonaldTrump,s-cabinet-in-waiting:What-we-know-so-far)
- 2-Fisher,Max,9 nov (2016),[www.nyTimes.com /What Is Donald Trump's Foreign Policy?](http://www.nyTimes.com/What-Is-Donald-Trump's-Foreign-Policy?)
- 3-.....,9 nov (2016), <http://www.nytimes.com/world/americas/donald-trump-foreign-policy/>. Uncertainty Over Donald Trump's Foreign Policy Risks Global Instability
- 4-joschka-fischer,dec/5/2016, <https://www.project-syndicate.org/commentary/goodbye-to-american-global-leadership>
- 5- <http://www.nytimes.com/2016/07/22/us/politics/donald-trump-foreign-policy-interview.html>

- 6- Ignatius,David,9nov(2016),<https://www.washingtonpost.com/opinions/globalopinions/what-president-trumps-foreign-policy-will-look-like>
- 7- Khrushcheva,Nina,(nov/15/2016), <https://www.projectsyndicate.org/.../trump-reality-tv-politics-by-nina-l--khrushcheva>
- 8-Olsen,Henry,(11/21/2016),[www.nationalreview.com](http://www.nationalreview.com) / Can the republican party Keep Trump Democrats?
- 9-Parsi,Triti,nov/11/2016, <https://foreignpolicy.com/2016/11/11/trump-hasnt-mastered-the-art-of-killing-the-iran-deal>
- 10- saunders , Elizabeth n. 11/21/2016,<https://www.washingtonpost.com/news/Monkey-cage/wp/2016/11/21/how-much-power-will-trumps-foreign-policy-advisers>
- 11-Tanenhans,Sam,(11/21/2016),<http://www.nytimes.com/2016/11/20/opinion/sunda/donald-trumps-art-of-the-new-deal>
- 12- Shiller,Robert,(nov/21/2016)<https://www.project-syndicate.org/.../trump-sense-of-power-by-robert-j--shiller-2016-16>
- 13- Zakaria,Farid,(17/10/2016), <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/populism-march->